

گروه سینما و تلویزیون

برقراری تعادل قدرت بین نیروی خیر و شر (به گونه‌ای که جانب‌داری فیلمنامه‌نویس از نیروی خیر آشکار نشود) کاری دشوار است که درصورت موفقیت به خلق اثری ماندگار منجر می‌شود.

بابک احمدی‌مقدم؛ فیلمنامه–

نویس می‌گوید: در کشور ما همواره با مشکلاتی مضاعف روبرو بوده‌است، برخلاف زندگی واقعی که در هر قشر و طبقه و قومیتی هم آدم خوب هست و هم آدم بد، و وجود یک آدم بد در یک قوم و قشر به معنی بد بودن همه آن قومیت یا قشر نیست، طبق

یک قانون نوشته‌ سال‌هاست در دنیای فیلمسازی کشور ما (اعم از سینما و تلویزیون) وجود یک نقش منفی به معنی آن است که فیلمساز همه افرادی را که نقش منفی نمایندۀ آنهاست یکسره تخطئه کرده‌است و نمایندگان آن قشر یا قومیتی می‌توانند این حرکت وی را توهین به خود تلقی کرده و علیه فیلم یا سریال‌ا قامه دعوا کنند.

حوصه این مجال خارج است) اغلب دست فیلمنامه نویسان را در ترسیم نقش منفی‌های قدرتمند بسته است. نتایج این می‌شود که برای ترسیم یک وکیل سودجو و قانون‌گریز باید یک باطل شدن پروانه و کالتش تأکید کرد و اگر پزشکی فرصت‌طلب و طماع را ترسیم می‌کنیم، پادمان باشد بگویم او اخراجی و بدون پروانه طبابت است و اینگونه حسابش را از بقیه هم قشرهایش جدا کنیم تا مشمول اعتراض آنها نشویم.

سوال اینجاست که بقیه دنیا با این مشکل چه می‌کنند؟ برای آنها هم وجود یک معلم، نماینده مجلس و… در یک اثر نمایشی به این معنی است که او نماینده همه همه هم قشرهای خود است؟ پس چگونه است که آنها به قصه‌هایی می‌پردازند که حتی در بالاترین سطح سیاسی کشور می‌گذرد؟

و پاسخ به این سوال باید به‌الگوی درستی اشاره کرد که سال‌هاست در سینمای دنیا استفاده می‌شود. بی‌آنکه مناقشه برانگیز باشد. الگویی که در سریال می‌خواهم زنده

نویسندگان سریال بعد از خلق زیرکانه شخصیت فرخی، برگ برنده دیگری را رو کردند که بر حساب‌شده بودن طراحی داستان صحه می‌گذارد. در نگاه اول شاید به نظر برسد خلق شخصیت جذاب یک تبهکار متشروع و آراسته مثل امیر شایگان و یک بازی اجرایی مثل دشتی (مهران احمدی) برای پیشبرد اهداف شایگان با بازی‌های خوب این دو بازیگر و نیز شخصیت فرخی که به پر و پسای آنها بیچد، سرای ایجاد جذابیت کافی باشد. اما نویسندگان از رنگ آمیزی این سه‌شخصیت غفلت نکرده‌اند.

بارها پیش آمده قشر وکلاء،

پرستاران و پزشکان یا مردم بخشی از کشور (بی توجه به ضرورت‌ها و ویژگی‌های جهان داستانبگویی) زبان به شکایت گشوده‌اند که فلان فیلم و سریال به آنها توهین کرده‌است، وجود مشکلاتی از این دست (باشرحی که‌از

بعانم (ساخته شهرام شاه‌حسینی) به خوبی و به درستی استفاده شده است. در این سریال رسالت نقش منفی سرریال، بر عهده شخصیتی به نام «امیر شایگان» (با بازی حامد بهداد) است که قهرمان اصلی قصه باید با او

معتبر سینمایی ۸جایزه به‌خانه ببرد. فرهادی اولین بار در سال ۲۰۱۱ با فیلم اسپکار و نخل طلا تا قرار گرفتن در فهرست کارگردانان بزرگی که فیلم بد در کارنامه خود ندارند، نام «اصغر فرهادی» این روزها بار دیگر در محافل جهانی سینمایر سر زبان‌ها افتاده‌است.

اصغر فرهادی یکی از فیلمسازان برجسته سینمای ایران است با کارنامه‌ای درخشان در سطح بین‌المللی. این کارگردان ۴۹ ساله تاکنون ۱۶ نامزدی در جوایز اسپکار، گلدن گلوب، پفتسا

و فستیوال‌های

بین‌المللی فیلم‌کن آورده و برلین به دست از این رویادهای بین‌المللی فیلم‌برلین، جایزه‌بهترین فیلمنامه‌بهترین کارگردان برای فیلم درباره‌الی و خرس طلایی بهترین فیلم برای جدایی‌نادر از سیمین از بین‌المللی فیلم‌برلین، جایزه‌بهترین فیلمنامه‌بهترین کارگردان برای فیلم درباره‌الی و خرس طلایی بهترین فیلم برای جدایی‌نادر از سیمین از جشنواره فیلم‌نامه‌بهترین فیلم فروشنده از جشنواره فیلم‌کن و جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان برای فیلم جدایی‌نادر از سیمین ابراهی کرد.

فرهادی که کارگردانی فیلمهایی چون رقص در غبار، چهارشنبه سوری، گذشت و همه‌ی داندن‌رادر کارنامه‌خود دارد،همچنین در سال ۲۰۱۲ به فهرست روزنامه‌هافینگتن پست از بیست و سه کارگردان برتر جهان و در سال ۲۰۱۶ به فهرست و سی‌ایب‌ان‌دی‌وی‌ایر از پنج کارگردان برتر دنیا راه یافت. فرهادی آخرین ساخته این کارگردان تواناست و پیش‌بینی می‌شودافتخارات بیشتری

گیشه آمریکا در تسخیر «خشم مردانه» جیسون استاتهام



«حافظ همسر هیمن» در ماه ژوئن راهی سینماها شوند.

نکته قابل توجه در مورد فیلم سینمایی «خشم مردانه» محصول کمپانی MGM این است که به

صورت سنتی فقط در سینماها اکران شده‌است. برخلاف دیگر آثار مثل «گودزیلا در برابر کونگ» و «نیمیشن» و «ایسا و آخرین اژدها» از دیزنی،

سبزی مارکت بانوی کیش

سینما و تلویزیون

نگاهی به نقش منفی در سریال «می‌خواهم زنده بمانم»

آدم‌های خاکستری اما به رنگ طلا!

یکی از بزرگترین چالش‌ها برای فیلمنامه‌نویس‌ها طراحی درست و قدرتمند نقش منفی است.

سریال متهم شود به اینکه سیاه‌نمایی می‌کند و با ترسیم شبسکه کارچاق کتی و فسداد، چهره‌ای منفی از یک نهاد و مسائل ابتدایی انقلاب ارانه می‌کند. نهادهای دیگر که تا زمان برپا بودن خدمات‌ارزنده‌ای به‌انقلاب کرده‌است. اما این همه ماجرا نیست. سریال خیلی زود راه را بر این انتقاد می‌بندد. سریال بعد از نشان‌دادن جنایات و خودسری‌های شایگان و دشتی، برگه برننده‌ای رومی‌کند. ورود شخصیت مردی قانون مند و آزاده و مقید به نام «فرخی» است. فرخی دوستی خانوادگی با دشتی هم دارد (و دشتی هم‌رزم برادر وی در جنگ هم بوده) متوجه زد و بندها و تخلف‌ها می‌شود و دنباله کار را می‌گیرد. دشتی سعی می‌کند ابتدا با تهدید و با ادامه

با دلسوزی او را از دنبال کردن ماجرا برحذر دارد. اما فرخی درکارش جدی است و سفت و سخت دنبال ماجراست. او در همان ملاقات اول به شایگان می‌فهماند خریدنی نیست و جز گزینه حذف فیزیکی راهی را برای شایگان باقی نمی‌گذارد. فرخی نماینده فرد عدالت‌طلب و مردقانونی است که سال‌هاست جایشان در کنار قهرمانان گرفتار و مستأصل فیلم‌ها و سسرال‌های ما محالی است. سوال اینجاست کارکرد این شخصیت چیست و چرا باید در داستان حضور داشته‌باشد؟

اداری و قضایی را با زندی به سرآخ امیرشایگان می‌رستد تا شایگان آنها را تکه‌تکه کند. وجود این دو شخصیت با ویژگی‌های گفته شده به تنهایی کافی است تا مطابق آنچه توضیح داده شد (و در کشور ما سال‌ها مرسوم است) شخصیتی مثل فرخی دو

نام «اصغر فرهادی» باز سر زبان‌ها افتاد

کن ۲۰۲۱ خیر دادند. فرهادی در کنار کارگردان‌های مطرحی چون روبن اوستالوند و ژاک اوبدیان فیلم جدید خود را در این هیأت‌گزینش این رویداد سینمایی فرستاده و به احتمال زیاد برای رقابت برای نخل طلای این جشنواره واجد شرایط شناخته خواهد شد. فهرست فیلم‌های حاضر در جشنواره کن ۲۰۲۱، ۱۷ ژوئن (۲۶ تیر) در فرانسه برگزار خواهد شد.

از نولان و تارانتینو تا فرهادی؛ سفیدترین کارنامه‌ها در فیلمسازی
اصغر فرهادی از آن فیلمسازان صاحب سبک است که توانست جریان اصلی سینمای ایران را به جهان معرفی کند. فیلم‌های فرهادی عمدتا روی پاشنه‌نمایش مواجه اخلاق و بی‌اخلاقی می‌چرخند و یک کنکاش به‌دور از قضاوت درباره مفاهیمی چون دروغ، پنهان‌کاری و خیانت را در یک بسته‌بندی منحصربه‌فرد از فرم به مخاطب هدیه می‌دهند. همین سبک اصیل و تصویرپردازی فرهادی از ایران، ایرانی و سینمای کشورمان به جهان ارانده‌اده، او را به یکی از فیلمسازان سرشناس بین‌المللی تبدیل کرده است. نشريات خارجي تحصيلات بارها نام فرهادی را در فهرست تاکنون کارگردانسان جهان قرار داده‌اند. در جدیدترین این موارد، مجله انگلیسی

وظیفه خطیبر برعهده دارد؛ اولین وظیفه به جهان‌داخل اثر نمایشی مربوط می‌شود. فرخی نماینده «امید» و «روزنه» ای است که پس از تماشای حجم قانون‌شکنی‌ها و خودکامگی‌های نقش منفی، باید در دل تماشاگر پیداشود و با کنارزدن دلسردی او را به دنبال کردن اثر دلگرم کند و دنیای اثر را برای بیننده قابل‌تحمل کند. اتفاقی‌که خ‌للا آن پایان‌بندی بسیاری فیلم‌ها و سریال‌های ما را (به سبک فیلم‌های مافیایی دهه ۷۰ و ۸۰ تلخ و سیاه و ناامیدکننده می‌کند). وظیفه خطیبر دوم فرخی (که به دنیای خارج از اثرنمایشی و جامعه مربوط می‌شود) این است که طبیعی و منطقی است که در هر پست و مقام و مجموعه‌ای حکومتی یک یا چندنفر قانون‌شکن وجود داشته باشند که مقاصد و منافع فردی را دنبال می‌کنند. اما این فساد و خودسری آنها فراگیر نیست و سیستم حواس‌هست و کنترل و نظارت لازم را دارد. فردی یا افرادی

را دارد که افراد متخلف و قانون‌شکن را رصد کرده و دست این متخلفان را کوتاه‌کند و آنها را به دست چنگال عدالت می‌سیارند. پس سیستم کلی اداره جامعه درست و سالم است. این باور (به شکلی غیرمستقیم) به شکل کن‌ارزدن دلسردی او را به دنبال کردن اثر دلگرم کند و دنیای اثر را برای بیننده قابل‌تحمل کند. اتفاقی‌که خ‌للا آن پایان‌بندی بسیاری فیلم‌ها و سریال‌های ما را (به سبک فیلم‌های مافیایی دهه ۷۰ و ۸۰ تلخ و سیاه و ناامیدکننده می‌کند). وظیفه خطیبر دوم فرخی (که به دنیای خارج از اثرنمایشی و جامعه مربوط می‌شود) این است که طبیعی و منطقی است که در هر پست و مقام و مجموعه‌ای حکومتی یک یا چندنفر قانون‌شکن وجود داشته باشند که مقاصد و منافع فردی را دنبال می‌کنند. اما این فساد و خودسری آنها فراگیر نیست و سیستم حواس‌هست و کنترل و نظارت لازم را دارد. فردی یا افرادی

گیری اعتمادعمومی به حکومت و نهادهای حکومت منجر می‌شود و با همین منطقی فیلمنامه‌نویس غربی می‌توانید با داستانی جاسوسی، امنیتی تامل‌کاخ سفیدرفته و ماجراهایی را در چند فصل طولانی روایت کند.

زیرکانه شخصیت فرخی، برگ برنده دیگری را رو کردند که بر حساب‌شده بودن طراحی داستان صحه می‌گذارد.

در نگاه اول شاید به نظر برسد خلق شخصیت جذاب یک تبهکار متشرع و آراسته مثل امیرشایگان و یک بازیگر اجرایی مثل دشتی (مهران احمدی) برای پیشبرد اهداف شایگان با

روح و وجودش را در اختیار

شایگان نگاهداشته‌است. هنوز

قیودات و اصولی را برای

خودش نگهداشته‌است. او

درعین حال دلنستی عاطفی

به فرخی هم دارد و او را

مثل برادر کوچکتر و امانتی

می‌داند که دوست صمیمی‌اش

(برادرشسهد فرخی) وی را به

دست‌دشتی سپرده‌است، واقعی

بودن این دلنستی را (علاوه

بر صحنه‌هایی که دشتی

فرخی را نصیحت می‌کند)

در صحنه‌ای که شایگان

پیشنهاد حذف فرخی را

می‌کند می‌توان شاهد

بود.

در کنار امید به

افزایش سع‌صدر عمومی

در مواجهه با آثارنمایشی، می

توان امیدوار بود؛ استفاده از

شکل حساب‌شده طراحی

و چینش درست مهره‌های

نقش‌منفی در سریال

می‌خواهم زنده‌بمانم بتواند برای

سازندگان آثار نمایشی راه‌گشا باشد.

بار دیگر به پرده نقره‌ای بازگشت. وی در این فیلم به سرآخ سوژه‌ای درباره خیانت و تن دادن به تغییر‌ها برای

ادامه زندگی رفت. سیمیرغ بلورین بهترین کارگردانی بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۸۴، «رقاوال نقره‌ای» جشنواره فیلم «کرالا» هند در سال ۲۰۰۶ و «هوگو طلایی» جشنواره بین‌المللی فیلم «شیکاگو» در همین سال، ارمان‌های چهارشنبه سوری برای فرهادی بودند. فیلم بعدی این کارگردان، درباره‌الی (۱۳۸۷) بود. این فیلم به دلیل شخصیت پردازی، غافلگیری های متعدد، جریان داشتن در فضایی قابل لمس و پایان باز، اثری برجسته‌و ویژه در کارنامه هنری وی و این کارگردان، درباره‌الی (۱۳۸۷) بود.

این فیلم به دلیل شخصیت پردازی، غافلگیری های متعدد، جریان داشتن در فضایی قابل لمس و پایان باز، اثری برجسته‌و ویژه در کارنامه هنری وی و این کارگردان، درباره‌الی، افزون به‌شمار می‌رود. درباره‌الی، افزون بر استقبال جشنواره‌های داخلی در جشنواره‌های خارجی نیز خوش درخشید. جایزه ویژه تماشاگران جشنواره فیلم فجر، تندیس بهترین کارگردانی جشن خانه سینما، «خرس نقره‌ای» بهترین کارگردان جشنواره بین‌المللی فیلم برلین ۲۰۰۹ و بهترین فیلم داستانی جشنواره فیلم «ترابینکا» آمریکا در سال ۲۰۰۹ از جوایز در یافتی این فیلم هستند. فرهادی در سال ۱۳۸۹ جدایی‌نادر از سیمین را ساخت. وی در این فیلم زندگی زن و شوهری را به تصویر می‌کشد که پس از جدا شدن، مسیرهای متفاوتی تاثیر بر زندگی یک خانواده دیگر منجر می‌شود. این فیلم به دلیل نوع نگاه ویژه و بهره گیری از عناصر واقع‌گرایانه (رتالیستی)، افزون بر استقبال داخلی

«کودک شو» در آستانه برگزاری فینالی جذاب



مسابقه حضور تماشاچی و هیجانی است که به برنامه منتقل می‌کند. از این رو در اتاق فکر برنامه تلاش شد جذابیت مسابقه در دل بازی و بین خانواده‌های شرکت‌کننده طراحی و اجرایی شود تا نبود تماشاچی از هیجان مسابقه کم نکند و بر رقابت تاثیر گذار نباشد. تهیه‌کننده کودک شو در خصوص حضور حمید گودرزی در سری چهارم اظهار داشت: مسابقه کودک شو با توجه به ساختاری که برای آن طراحی شده در زمان حضور پیمان باغی و چه در این فصل با حضور حمید گودرزی در حضور پیمان باغی و چه در این رقابت سالم خانواده‌ها استوار و متکی بوده و حضور این هنرمندان به‌عنوان مجری در موفقیت

گروه سینما و تلویزیون– بامشخص شدن خانواده برتر فصل چهارم «کودک شو» به پایان می‌رسد. تصویری تهیه‌کننده مسابقه کودک شو از پخش آخرین قسمت از این برنامه دسری چهارم، در روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت خبر داد.

وی با بیسان اینکه در این فصل ۳۶۰ خانواده به همراه فرزندان خود حضور داشتند، گفت: پس از رقابت جذاب در بیش از ۲۰۰ برنامه فینالیست‌ها مشخص و در برنامه روز سه شنبه شدن خانواده برتر معرفی خواهد شد.

تصویر با اشاره به شرایط سخت تولید و رعایت اصول بهداشتی در هنگام ضبط برنامه افزود: در این فصل با وجود شیوع کرونا و توجه به سلامت خانواده‌های شرکت‌کننده و عوامل تولید، ۲۰۵ قسمت بدون حضور تماشاچی ضبط و به روی آنتن شبکه نسیم رفت.

وی ادامه داد: اتفاق مهم هر

اقتصاد کیش

جزیره کیش

بازی‌های خوب این دو بازیگر و نیز شخصیت فرخی که به پر و پای آنها بیچد، برای ایجاد جذابیت کافی باشد. اما نویسنندگان از رنگ‌آمیزی این سه‌شخصیت غفلت نکرده‌اند. دشتی و شایگان هیچکدام منفی و سیاه‌مطلق نیستند. هرکدام زخم‌های در روح و روان خود دارند که آنها را از تاریکی مطلق بیرون کشیده و نسوری اندک به صور‌نشان تابیده تا خاکستری به نظر برسند و فرصت نفرت کامل را از بیننده بگیرند. شایگان زخم ظلم‌های پدر و بلایی که سال‌ها پیش بر سر او و مادرش آورده را هنوز با خود دارد. دشتی با اینکه آلت دست شایگان است، تمام

روح و وجودش را در اختیار شایگان نگاهداشته‌است. هنوز قیودات و اصولی را برای خودش نگهداشته‌است. او درعین حال دلنستی عاطفی به فرخی هم دارد و او را مثل برادر کوچکتر و امانتی می‌داند که دوست صمیمی‌اش (برادرشسهد فرخی) وی را به دست‌دشتی سپرده‌است، واقعی بودن این دلنستی را (علاوه بر صحنه‌هایی که دشتی فرخی را نصیحت می‌کند) در صحنه‌ای که شایگان پیشنهاد حذف فرخی را می‌کند می‌توان شاهد بود.

در افزایش سع‌صدر عمومی

در مواجهه با آثارنمایشی، می

توان امیدوار بود؛ استفاده از

شکل حساب‌شده طراحی

و چینش درست مهره‌های

نقش‌منفی در سریال

می‌خواهم زنده‌بمانم بتواند برای

سازندگان آثار نمایشی راه‌گشا باشد.

بار دیگر به پرده نقره‌ای بازگشت. وی

در این فیلم به سرآخ سوژه‌ای درباره

خیانت و تن دادن به تغییر‌ها برای

ادامه زندگی رفت. سیمیرغ بلورین

بهترین کارگردانی بیست و چهارمین

جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۸۴، «رقاوال

نقره‌ای» جشنواره فیلم «کرالا» هند در

سال ۲۰۰۶ و «هوگو طلایی» جشنواره

بین‌المللی فیلم «شیکاگو» در همین

سال، ارمان‌های چهارشنبه سوری برای

فرهادی بودند. فیلم بعدی این کارگردان،

درباره‌الی (۱۳۸۷) بود. این فیلم به

دلیل شخصیت پردازی، غافلگیری های

متعدد، جریان داشتن در فضایی قابل

لمس و پایان باز، اثری برجسته‌و ویژه در

کارنامه هنری وی و این کارگردان، درباره‌الی،

افزون به‌شمار می‌رود. درباره‌الی، افزون

بر استقبال جشنواره‌های داخلی در

جشنواره‌های خارجی نیز خوش درخشید.

جایزه ویژه تماشاگران جشنواره

فیلم فجر، تندیس بهترین کارگردانی

جشن خانه سینما، «خرس نقره‌ای» بهترین

کارگردان جشنواره بین‌المللی فیلم

برلین ۲۰۰۹ و بهترین فیلم داستانی

جشنواره فیلم «ترابینکا» آمریکا در

سال ۲۰۰۹ از جوایز در یافتی این فیلم

هستند. فرهادی در سال ۱۳۸۹ جدایی‌نادر

از سیمین را ساخت. وی در این فیلم

زندگی زن و شوهری را به تصویر می‌کشد

که پس از جدا شدن، مسیرهای متفاوتی

تاثیر بر زندگی یک خانواده دیگر منجر

می‌شود. این فیلم به دلیل نوع نگاه ویژه

و بهره گیری از عناصر واقع‌گرایانه

(رتالیستی)، افزون بر استقبال داخلی



🏠 **فلاز ۳ نوبنیاد-مجتمع خدماتی آراین- غرفه یک و دو**

☎ **۰۹۳۴۷۶۹۰۵۵۶ - ۰۹۰۳۷۵۲۷۷۳۷**